

دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سید احمد میرزایی^۱ - کاظم غریب آبادی^۲ - محمدهادی رضاییان پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۸

چکیده

بر اساس سند راهبردی تعامل بین‌المللی ۲۰۱۳ وزارت دفاع انگلستان، این کشور قصد دارد از پتانسیل‌های نرم خود در حوزه دیپلماسی دفاعی برای رسیدن به اهداف و منافع ملی استفاده نماید، که از آن جمله می‌توان به مشارکت وزارت دفاع در فرایندهای انتخاباتی، تشکیل مجالس قانون‌گذاری، ساختارسازی دولتی و قضایی در کشورهای در حال گذار به دموکراسی، و همکاری‌های دفاعی در عرصه‌های سایبری، فرهنگی و آموزشی، اشاره نمود. مقاله حاضر به دنبال این است تا با روش توصیفی - تحلیلی نشان دهد که دیپلماسی دفاعی جدید انگلستان شامل چه برنامه‌هایی بوده و پیامدهای منفی آن بر امنیت ملی ایران چیست. همچنین، فرض این مقاله بر این است که انگلستان به دنبال افزایش حضور و نفوذ خود در خاورمیانه؛ بویژه محیط امنیتی پیرامونی ایران بوده و دیپلماسی دفاعی این کشور امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند. لذا با بررسی و واکاوی استراتژی و سیاست‌های انگلستان طبق سند ۲۰۱۳ و همچنین، جایگاه ایران در اسناد راهبردی انگلستان و تبیین و تشریح محیط امنیتی پیرامونی ایران، به این نتیجه رسیده‌ایم که راهبرد دیپلماسی دفاعی انگلستان، تهدیدی جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی: امنیت ملی ایران، دیپلماسی دفاعی، سند راهبرد تعامل دفاعی، وزارت دفاع انگلستان، دیپلماسی دفاعی انگلستان.

۱. دانشیار دانشگاه مالک اشتر رشته بیوتروریسم shabnammagidi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی k.gharib@hotmail.com

۳. کارشناسی ارشد دیپلماسی کنترل تسلیحات دانشگاه مالک اشتر m.rezaiyan63@yahoo.com

مقدمه

از سال ۱۹۹۸ که انگلستان اولین سند دیپلماسی دفاعی خود را به منظور پیگیری اهداف و منافع ملی تدوین نمود، تغییرات گسترده‌ای در محیط بین‌المللی صورت گرفته و شاهد ظهور تهدیدها و فرصت‌های جدیدی بوده‌ایم. در دهه ۹۰ میلادی، دیپلماسی دفاعی انگلستان معطوف به اروپای شرقی و منطقه قفقاز و در حوزه همکاری‌های دفاعی و نظامی، بازسازی ارتش و عضویت آنها در ناتو بود (Ministry of defense, 1998, 106). همزمان با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ و ظهور پدیده تروریسم، وزارت دفاع با صدور سندی جدید، در مأموریت‌های وزارت دفاع اصلاحاتی ایجاد نمود که از آن جمله، گسترش حوزه مأموریتی دیپلماسی دفاعی در مبارزه با تروریسم بود. (Ministry of defense, 2001)

در سند بازنگری دفاعی ۲۰۰۲ نیز تغییرات اندکی در حوزه سیاست‌گذاری دفاعی انگلستان شاهد بودیم که از معدود مأموریت‌های جدید دیپلماسی دفاعی، بالا بردن سرعت واکنش به تحولات سریع بین‌المللی بود؛ اما در سند بازنگری دفاعی ۲۰۱۰، شاهد دگرگونی‌ای اساسی در تهدیدهای امنیتی شناخته شده توسط وزارت دفاع انگلستان هستیم. این تهدیدها عبارتند از: ۱- جرایم سازمان یافته فراملی؛ ۲- بحران انرژی؛ ۳- تهدیدهای سایبری؛ ۴- بی‌ثباتی، منازعه جهانی و دولت‌های ورشکسته و شکننده؛ ۵- تهدیدهای دولت محور و ۶- تغییرات جوی. این کشور به منظور پاسخ به این تهدیدها راهکارهایی را اتخاذ نمود که برخی از این راهکارها در حوزه مأموریتی دیپلماسی دفاعی قرار می‌گرفت. وزارت دفاع انگلستان به منظور اجرایی ساختن و انجام راهکارهایی که در حوزه مأموریت دیپلماسی دفاعی قرار می‌گیرد، پس از هماهنگی با وزارت امور خارجه، سندی را در سال ۲۰۱۳ منتشر نمود که این سند در پنج صفحه و بر اساس تهدیدها و سیاست‌های شناسایی شده در سند ۲۰۱۰ تدوین شده بود. این سند، یک راهبرد کوتاه مدت نبوده؛ بلکه به عنوان سندی میان مدت محسوب می‌شود که دورنما و افق ۲۰ سال

آتی؛ یعنی ۲۰۳۳ را مدنظر قرار می‌دهد. بدین منظور، هم خطرات فراروی امنیت انگلستان و هم فرصت‌های موجود و آینده‌ای را که این کشور از آنها برخوردار خواهد بود، ارائه می‌کند (ساعد، ۱۳۹۲: ۲).

سند استراتژی تعامل دفاعی ۲۰۱۳ تمرکز زیادی بر انجام تعاملات دفاعی در محیط‌های پیرامونی امنیتی جمهوری اسلامی (خلیج فارس، خاورمیانه و شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان، و منطقه قفقاز) نموده است. توجه ویژه به معاهدات کنترل تسلیحاتی و سازوکارهای اجرایی آن به منظور پیگیری منافع ملی، و استفاده از ظرفیت‌های نرم وزارت دفاع انگلستان در خصوص ساختارسازی در کشورهای در حال گذر به دموکراسی، ضرورت تأمل و بررسی را در این خصوص برای جمهوری اسلامی لازم می‌سازد. در این مقاله ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که پیامدهای دفاعی و امنیتی سند «استراتژی تعامل دفاعی ۲۰۱۳»^۱ انگلستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست. فرضیه تحقیق حاضر بر این است که انگلستان به دنبال گسترش نفوذ خود در محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی بوده و اجرای سیاست‌های سند ۲۰۱۳، امنیت ملی جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند.

چارچوب نظری

«دیپلماسی دفاعی از جمله مقوله‌هایی است که در خلال دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است و به مثابه بخشی از «همکاری‌های عمیق دفاعی» در دستور کار بسیاری از کشورها قرار دارد» (Haack, 2007: 5). برای دیپلماسی دفاعی تعاریف متفاوتی وجود دارد که از جمله مهمترین آن‌ها عبارتند از:

«دیپلماسی دفاعی عبارت از انجام مذاکرات و دیگر روابط بین ارتش‌ها توسط دیپلمات‌های نظامی است که هدف از آن، تأثیرگذاری بر محیطی است که نیروی نظامی در آن فعالیت می‌کند» (Willard, 2006: 3). البته این تعریف، تعریف سنتی از دیپلماسی دفاعی است. در اثر دیگری که در مورد دیپلماسی دفاعی منتشر شده، این مفهوم این گونه تعریف شده است:

«دیپلماسی دفاعی، ناظر بر اولویت و برجسته سازی کاربست و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفت و گو و تعامل، و همه ابزارهای غیرقهری برای پیشبرد هدف‌ها و کارویژه های دفاعی است که در آن، بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و در نهایت، هدف‌های ملی، مد نظر قرار می‌گیرد» (ساعد، ۱۳۸۹: ۳۹).
بنابر تعاریف فوق، می‌توان تعریف زیر را تعریفی جامع از دیپلماسی دفاعی دانست:

«دیپلماسی دفاعی به عنوان مکمل دیپلماسی سیاسی، مقوله‌ای است که بیشتر از سوی سازمان‌های دفاعی کشورها مورد پیگیری واقع می‌شود. این سازمان‌ها می‌کوشند با استفاده از ظرفیت های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری این مقوله، تعاملاتی را با بازیگران بیرونی برای تأمین بهتر منافع ملی و بهبود شاخص های امنیت ملی برقرار نمایند.» (عسگری، مینایی، ۱۳۹۲: ۳).

در واقع، دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی است که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو و چندجانبه) را تشکیل می‌دهد.

فعالیت حوزه دیپلماسی دفاعی انگلستان، بیانگر رویکرد واقع‌گرایان انگلیسی است که جنگ و سیاست را با یکدیگر پیوند می‌زنند و نظام بین‌الملل را تابعی از رفتار دفاعی، امنیتی و دیپلماتیک تلقی می‌کنند. اگر جنگ براساس ساختارهای دفاعی شکل گیرد و هیچ

گونه نشانه‌ای از شاخص‌های دیپلماتیک وجود نداشته باشد، زمینه برای حداکثر سازی منافع ایجاد نمی‌شود.

بنابراین، انگلیسی‌ها توانستند حوزه‌های فراگیرتری از قدرت‌سازی را در بازی‌های راهبردی خود به کار گیرند. حوزه دیپلماسی دفاعی را می‌توان انعکاس اندیشه‌های «ای‌اچ‌کار»^۱ و «هدلی بول»^۲ در رفتارهای راهبردی انگلستان دانست. «کار» در رابطه با پیوند حوزه‌های دفاعی و امنیتی با حوزه دیپلماسی و سیاست اعتقاد دارد:

«رفتارهای راهبردی بدون توجه به نشانه‌های دیپلماتیک، سودی نخواهد داشت. نیروهای دفاعی به موازات تحرک راهبردی، نیازمند توجه به شاخص‌های سیاست داخلی و همچنین، سیاست خارجی هستند. اگر راهبرد در محیط سیاست بین‌الملل شکل گیرد، و پاسخی به شاخص‌های ساختاری نظام بین‌الملل باشد، در آن شرایط سیاست دفاعی بدون توجه به تعامل دفاعی، مفهومی نخواهد داشت.» (Car, 1964: 115)

آنچه کار بر آن تأکید دارد، توسط سایر نظریه پردازان موضوعات راهبردی و روابط بین‌الملل انگلیسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است، که «هدلی بول» از آن جمله است. «هدلی بول» نیز در آثار خود رویکردی شبیه ای‌اچ‌کار دارد. وی جنگ و فعالیت‌های راهبردی را به عنوان حوزه مرکزی حیات سیاسی می‌داند. از سوی دیگر، او در حوزه موضوعات راهبردی بر نشانه‌هایی از بازی دیپلماتیک تأکید دارد. به این ترتیب، هرگونه قابلیت راهبردی را براساس بازی‌های دیپلماتیک مورد سنجش قرار می‌دهد. وی براین اعتقاد است که:

«دیپلماسی دفاعی در زمره مفاهیم کلیدی راهبرد محسوب می‌شود. امنیت سازی زمانی شکل می‌گیرد که قالب‌های راهبردی با مفاهیم و ادبیات سیاسی مورد سنجش قرار

1 - E. H. Carr
2 - Hedley Bull

گیرند. به همان گونه‌ای که قدرت راهبردی به عنوان نهایت رفتار سیاسی تلقی می‌شود، به‌کارگیری هرگونه خط مشی بدون توجه به فعالیت‌های دیپلماتیک حاصل نمی‌شود. به این ترتیب، آنچه به عنوان نشانه‌ای از ائتلاف، اتحاد، نفوذ راهبردی، موازنه قوا و هژمونی از آن یاد می‌شود، براساس پیوند شاخص‌های دیپلماتیک و سیاسی با ابزارهای راهبردی حاصل خواهد شد» (Bull, 1977: 186).

اگر نقش اندیشه راهبردی و ادبیات امنیتی در حوزه رفتار سیاسی مورد توجه قرار گیرد، در آن شرایط، بدیهی است که سنت‌های راهبردی انگلستان در سیاست بین‌الملل به گونه‌ای سازماندهی شده است که پیوند بین شاخص‌های راهبردی و نشانه‌های دیپلماتیک را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. «در ادبیات سیاسی و دفاعی انگلستان به‌ویژه در آثار «جان بیلِس»^۱، «استیو اسمیت»^۲ و «فرد هالیدی»^۳ می‌توان به پیوندهای امنیت دفاعی و دیپلماسی دفاعی اشاره کرد» (ترابی، ۱۳۸۵: ۶۹). در بین نظریه‌پردازان معاصر انگلیسی که در حوزه موضوعات راهبردی فعالیت نموده و رابطه بین شاخص‌های سیاسی و دیپلماتیک با موضوع‌های راهبردی را بررسی کرده‌اند، می‌توان به «رابرت جکسون»^۴ و «آرت شولت»^۵ اشاره نمود.

۳. مؤلفه‌های دیپلماسی دفاعی نوین

عنوان «دیپلماسی دفاعی» عمر چندانی نداشته و اولین بار در سند بازنگری استراتژی دفاعی ۱۹۹۸ انگلستان، وارد ادبیات روابط بین‌الملل گردید (جعفری، ۱۳۹۳: ۷)؛ ولی در مقدمه همین سند ذکر شده که سابقه دیپلماسی دفاعی انگلستان بسیار طولانی بوده و این کشور در حوزه آموزش و صادرات اسلحه و کمک‌های نظامی به سایر کشورها، تاریخی طولانی

1 - John Byles

2 - Steve Smith

3 - Fred Halliday

4 - Robert Jackson

5 - Art Schulte

دارد (Ministry of Defense, 1998: 194). به مرور زمان و تغییر شرایط محیط بین‌الملل و ظهور تهدیدها و فرصت‌های جدید، مقوله دیپلماسی دفاعی نیز دچار تحول شده و کارویژه‌ها و مأموریت‌های جدیدی برای آن تعریف شده است. بر این اساس، تحول در ابعاد زیر مدنظر قرار گرفته است:

دیپلماسی دفاعی، محدود به دیپلماسی نظامی نمانده و اصل فراگیر بودن دامنه دیپلماسی دفاعی مورد پذیرش و عمل قرار گرفته است؛

منظور از «دفاع» در مفهوم دیپلماسی دفاعی، چارچوب سیال، منعطف و گسترده دفاع است که بر اساس آن، صلاحیت نیروهای مسلح فقط در زمینه پیگیری امور دارای ارتباط مستقیم با تمامیت ارضی نخواهد بود؛ بلکه نیروهای مسلح در خصوص امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز که به صورت غیرمستقیم بر تمامیت ارضی و نیز امنیت ملی تأثیر دارند، امکان ورود خواهند داشت.

مهمترین اولویت در صحنه دیپلماسی دفاعی امروز، بُعد نرم آن است که متکی بر تقویت مؤلفه‌های نرم قدرت ملی و همچنین، استمرار بخشیدن به «چرخه تولید و بازتولید قدرت دفاعی» است (ساعد، ۱۳۹۱: ۲۴۸). دیپلماسی دفاعی می‌تواند مجرای برای اعمال راهبردهای «موازنه نرم» در بعد بیرونی باشد تا در پرتو تلاش‌های دیپلماتیک و به‌کارگیری ظرفیت‌های محیط بین‌المللی، «برای کاهش قدرت رقیب برتر و افزایش قدرت خودی در تقلیل سلطه»^۱ استفاده شود.

در موارد نرم‌افزاری، دیپلماسی دفاعی نیز همانند دیپلماسی نظامی، همچنان تأکید ویژه بر برقراری و حفظ روابط نظامیان- نظامیان است و گستراندن دامنه این دیپلماسی به امور عادی جامعه، از طریق تمرکز بر نقش همین نظامیان و نیروهای مسلح است که پیگیری می‌شود. در نتیجه، دیپلماسی دفاعی رسمی عمدتاً عموم افراد جامعه را به عنوان

هدف غیرمستقیم مدنظر قرار می‌دهد و هدف‌گذاری در مورد انتقال پیام به غیرنظامیان و عموم جامعه را از طریق دیپلماسی عمومی دفاعی (در قالب نوعی دیپلماسی غیررسمی) پیگیری می‌نماید (عسگری، ۱۳۷۸: ۳۸).

در میان محورهای ویژه اولویت دار دیپلماسی دفاعی جدید، امنیت سایبری به عنوان مقوله‌ای تلقی می‌گردد که در کلیه تفاهم‌نامه‌ها و موافقتنامه‌های دوجانبه انگلیس به عنوان نخستین محور همکاری و روابط دوجانبه درج شده است (UK Prime Ministry, 2010: 47).

سند استراتژی تعامل دفاعی ۲۰۱۳

این سند توسط وزیر دفاع انگلستان در فوریه ۲۰۱۳ منتشر شد و می‌توان آن را دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان نامید. سند مذکور یکی از برجسته‌ترین اسناد راهبردی اخیر است که با تکیه بر اولویت اقدامات نرم‌افزاری نیروهای مسلح در مقایسه با حوزه‌های مأموریتی سنتی سخت‌افزاری آنها تدوین شده است. بر این اساس، انگلستان نیز در صحنه قدرت نرم وارد شده و وزارت دفاع این کشور، مأموریت اصلی هدایت و مدیریت کلان این صحنه را از طریق تمرکز بر توان بخش دفاعی بر عهده گرفته است. در مقدمه این سند ذکر شده است که اجرای محتویات این سند، مشارکت و همکاری وزارت دفاع را در دستیابی به اهداف خارجی دولت به حداکثر خواهد رساند. سیاست‌های این سند برگرفته از سند ۲۰۱۰ بوده، چشم‌اندازی ۲۰ ساله را برای شناسایی تهدیدها و فرصت‌های پیش روی انگلستان ترسیم نموده است (Ministry of Defense, 2013).

اهداف

این سند اهداف کلیدی زیر را برای مأموریت دیپلماسی دفاعی شناسایی نموده که عبارتند از:

دفاع از انگلستان و سرزمین های فرامرزی که شامل: تأمین حمایت بین المللی برای مأموریت های نظامی در خصوص دفاع از انگلستان و سرزمین های خارجی این کشور؛ مشارکت و حمایت سیاسی از عملیات های نظامی کنونی و آینده نیروهای مسلح انگلستان؛ و تأمین دسترسی به قابلیت ها و تکنولوژی های مهم و ظرفیت سازی در حوزه دفاعی؛ محافظت از شهروندان انگلیسی مقیم خارج از طریق: برنامه های احتمالی مشترک مانند عملیات های تخلیه غیرنظامیان با سایر کشورها و همچنین، عملیات های تأمین امنیت دریایی؛

ایجاد نفوذ در سایر کشورها؛

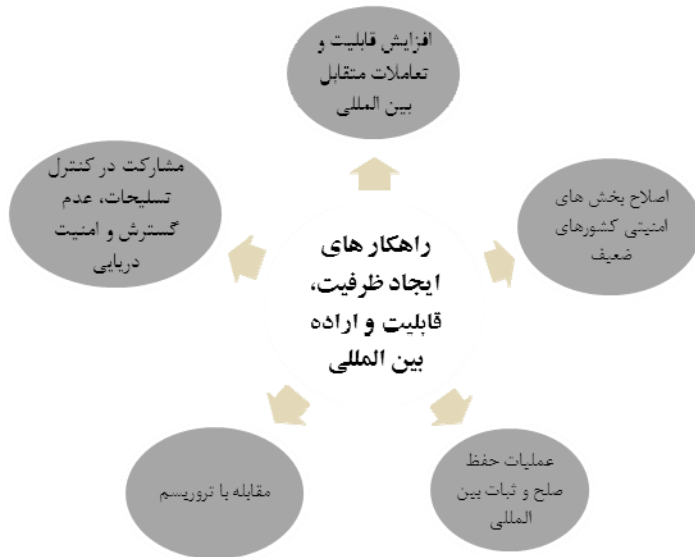
افزایش و محافظت از موقعیت انگلستان از طریق: صادرات محصولات بخش های امنیتی، مشارکت دفاعی در محافظت از تجارت بین الملل، مسیرهای کشتیرانی و انتقال انرژی؛

پی بردن به اهداف و برنامه های دفاعی و امنیتی سایر کشورها از طریق: جمع آوری اطلاعات از بخش های دفاعی و امنیتی سایر کشورها به منظور ارزیابی و شناسایی

تهدیدات

ایجاد ظرفیت، قابلیت و اراده بین المللی که شامل: ۱- بالا بردن قابلیت و تعاملات متقابل بین المللی (دوجانبه و چند جانبه)؛ ۲- کمک در پیشگیری از مخاصمه و ایجاد امنیت فرامرزی از طریق اصلاح بخش امنیتی کشورهای ضعیف؛ ۳- مشارکت در معاهدات کنترل تسلیحاتی، عدم گسترش، ثبات منطقه ای؛ ۴- بهبود عملیات های حفظ صلح؛ ۵ - مقابله با تروریسم؛ ۶- مقابله با قاچاق مواد مخدر و دزدی دریایی در مبدأ

(UK Prime Ministry, 2010: 32).



شکل ۱. راهکارهای ایجاد ظرفیت، قابلیت و اراده بین‌المللی (UK prime Ministry, 2010: 22-27)

ایجاد بازدارندگی در خصوص تهدیدات منافع انگلستان به سبب: برقراری روابط نزدیک دفاعی با کشورهای حوزه نفوذ دولت‌های مخالف، و همچنین، حفظ پرستیژ و موقعیت بین‌المللی انگلستان در سازمان‌ها و پیمان‌های دفاعی و امنیتی.

راهکارها

به منظور رسیدن به هدف فوق، به اتخاذ راهکار و نقشه راه نیاز است. با توجه به اینکه هدف این راهبرد بسیار بلندپروازانه است، در این سند تأکید شده است که برنامه‌های فوق با همپوشانی سایر ابتکارات مرتبط دولت، مانند: راهبرد ثبات‌سازی فرامنطقه‌ای^۱، ابتکار خلیج (فارس)^۲، و ابتکار قدرت‌های در حال ظهور اجرا گردد^۱. بنابر این، راهکارهای زیر را برای تعامل وزارت دفاع با سایر کشورها و متحدان خود تدوین نموده است:

1 - Building Stability Overseas Strategy
2 - Gulf Initiative

تقویت وابسته های دفاعی

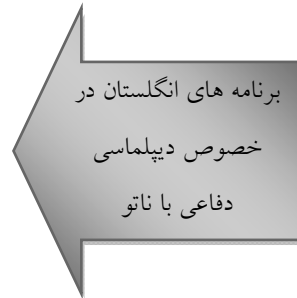
در این راستا، انگلستان قصد دارد شبکه وابسته های دفاعی و دیگر نمایندگان دفاعی خود را به همراه شبکه های دیپلماسی و سایر سازمان های دفاعی و امنیتی انگلستان برای توسعه روابط صحیح و کسب نفوذ مناسب در سایر کشورها جهت مواجهه با چالش ها و فرصت های آینده، به کارگیرد. با این کار انگلستان قادر خواهد بود بسیاری از سیاست های دفاعی مستقیم و غیر مستقیم خود را اعمال کند. در این سند با اشاره به اینکه رویکرد تعامل دفاعی بین المللی بر مبنای روابط موجود و فعالیت های جاری تنظیم گردیده، تأکید می کند: انگلستان قصد دارد پیشرفت های چشمگیری را در توسعه روابط خود با برخی از کشورها انجام دهد. لذا عنوان نموده است که قصد دارد وابسته های دفاعی مقیم و غیرمقیمی را در برخی از کشورهای آفریقایی مانند میانمار، سومالی، سودان جنوبی و لیبی افتتاح نماید (Ministry of Defence, 2013).

انگلستان به منظور اصلاح بخش امنیتی و قضایی و همچنین، ظرفیت سازی در لیبی، یک تیم مشاوره دفاعی به منظور کمک به شورای انتقالی لیبی در ایجاد نهادهای مذکور، به این کشور اعزام نمود. این تیم در دوران پس از مخاصمه نیز به منظور کمک و پشتیبانی در انتخابات دموکراتیک کنگره لیبی، در این کشور حضور خواهد داشت. همچنین، بخش دفاعی سفارت انگلستان در شهر جوبا، پایتخت سودان جنوبی نیز به تازگی تأسیس شده است. وزارت دفاع انگلستان به این کشور تازه استقلال یافته برای راه اندازی مؤسسات و سازمان های ملی و همچنین، اصلاح بخش قضایی و امنیتی کمک خواهد نمود، چراکه این اقدام به تأمین امنیت منطقه ای مورد نظر انگلستان کمک می کند (Ministry of defence, 2013).

تعامل با ناتو

با بررسی سند ۲۰۱۳ و ۲۰۱۰ به نگاه عمیق انگلستان در همکاری و استفاده از ظرفیت‌های ناتو در حوزه دیپلماسی دفاعی پی می‌بریم. نگاه انگلستان به ناتو، نگاهی تاریخی است و از همان ابتدای شکل‌گیری این سازمان، این کشور تمام تلاش خود را برای استفاده از ظرفیت‌های آن و همچنین، تقویت آن در جهت دستیابی به منافع ملی خود به‌کار بسته است.

۱- افزایش توان ناتو
۲- اتمام عملیات افغانستان و تشکیل دولت قوی در این کشور
۳- کمک به سایر اعضا برای برگزاری عملیات مشترک با سازمان
۴- کمک به ناتو برای گسترش رابطه با سایر کشورها
۵- تعریف مسئولیت‌های گسترده‌تر به منظور واکنش به تهدیدهای جدید؛ از جمله حملات سایبری
۶- تقویت روابط ناتو با سایر سازمان‌ها و دولت‌ها برای بهبود واکنش به تهدیدهای امنیتی
۷- اصلاح ساختار این سازمان



شکل ۲- سیاست انگلستان برای تعامل با ناتو (Prime ministry, 2010: 48-50)

تقویت روابط دو جانبه دفاعی

از زمان تدوین سند بازنگری راهبرد دفاعی در سال ۲۰۱۰، انگلستان بالغ بر هفت معاهده دفاعی و بیش از ۵۰ یادداشت تفاهم به منظور تقویت شبکه همکاری بین‌المللی با متحدان خود؛ از جمله ژاپن، اندونزی، هند، ویتنام، ترکیه و برزیل در راستای «اس.دی.اس.آر.»^۱

امضا نموده است؛ که آخرین مورد آن معاهده همکاری های دفاعی در سال ۲۰۱۳ با استرالیا بوده است. این معاهده شامل همکاری دفاعی در حوزه امنیت سایبر، اصلاح بخش دفاعی، تبادل نفرات، تجهیزات، فناوری و تکنولوژی بوده است. انگلستان ضمن تأکید بر همکاری با پاکستان معتقد است که منافع امنیتی مشترکی با پاکستان دارد. این کشور همچنین ضمن حمایت از طرح ابتکار خلیج فارس و امنیت در خاورمیانه، همکاری های دفاعی خود را در سراسر منطقه خاورمیانه گسترش داده و در حال افزایش طرح ها و برنامه های آموزشی و تمرینی خود با کشورهای خلیج فارس در آینده است (UK Prime Ministry, 2010: 55).

تعامل دفاعی با آمریکا

مطابق این سند، انگلستان در حال مستحکم تر کردن روابط دفاعی خود با متحدان دیرینه اش است. لذا عنوان می کند که ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم ترین متحد امنیتی ما باقی خواهد ماند و نیروهای مسلح انگلستان نیز همکاری نزدیک در حوزه های عملیاتی با این کشور را ادامه خواهند داد (UK Prime Ministry, 2010: 59). هم اکنون بیش از ۷۵۰ نفر از پرسنل وزارت دفاع انگلستان در آمریکا حضور دارند و در حوزه های گوناگونی که شامل پست های فرماندهی و مشاوره می شود، فعالیت می کنند.

به منظور ادامه برنامه های دیپلماسی دفاعی دوجانبه با آمریکا، انگلستان در حال تقویت تمرکز بر روی حوزه هایی است که دارای منفعت متقابل هستند. از جمله این حوزه ها عبارتند از: ساخت ناوهای هواپیمابر، فضای سایبر، فضای ماورای جو، نیروهای زمینی، علم و تکنولوژی، عملیات های ضد تروریسم، عدم اشاعه، بازسازی، آموزش دفاعی، اطلاعات و بازدارندگی هسته ای. این برنامه ها از طریق گفتگوهای منظم راهبردی در سطح مقامات ارشد دفاعی در حال ادامه است.

در حوزه سایبر، انگلستان قصد دارد همکاری در این حوزه با آمریکا را از طریق روابط اطلاعاتی و دفاعی مرتبط افزایش دهد. انگلستان در حال امضای یادداشت تفاهم جامعی در خصوص عملیات های سایبری است که دیدگاه مشترکی را در مورد فضای سایبر با آمریکا ایجاد می‌کند.

کمک به کشورهای ورشکسته و شکننده

یکی از دولت های شکننده‌ای که انگلستان هم اکنون در حال کمک به آن است، افغانستان است. بر اساس سند ۲۰۱۰، تیم بازسازی موقت در استان هلمند در حال رایزنی با سایر سازمان ها در حمایت از دولت افغانستان از طریق ساخت مدرسه، جاده، آب، نیروگاه برق، پشتیبانی از حکومت‌های محلی و تأسیس چهار شورای محلی از طریق انتخابات است. پس از سال ۲۰۱۵ نیز نقش دفاعی و نظامی انگلستان در افغانستان، جنگی نخواهد بود، بلکه روابط دفاعی با این کشور صرفاً متمرکز بر ظرفیت سازی و آموزش خواهد بود.

استفاده همزمان و باهم از نظامیان و غیرنظامیان برای ایجاد تیم‌های جدید ثبات سازی به منظور انجام مأموریت در هر نقطه از جهان به منظور پایان دادن به مخاصمات و به اشتراک گذاشتن اماکن و امکانات وزارتخانه های مختلف برای انجام مأموریت های مختلف در نقاط حساس از دیگر برنامه ها در چارچوب فوق است.

تقویت تعاملات چندجانبه

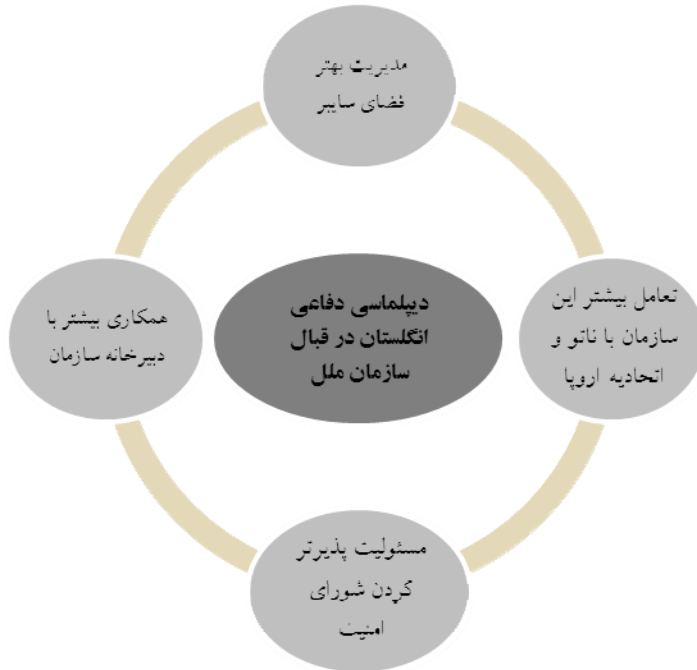
انگلستان نقش محوری در سازمان‌های چندجانبه مانند: شورای امنیت، اتحادیه اروپا، ناتو، جی ۸، و جی ۲۰ دارد. همچنین مشارکت چشمگیر در سازمان های بین المللی مانند سازمان همکاری و امنیت اروپا و نهادهای اجرایی مانند آژانس بین المللی انرژی اتمی دارد. از سوی دیگر، سازمان‌های منطقه‌ای و انجمن کشورهای آسیای جنوب شرقی را پشتیبانی می‌کند. این کشور همچنین به همراه آمریکا و سایر متحدان خود، با بهره‌گیری از

سازوکارهای نظارتی و اجرایی سازمان خلع سلاح‌های شیمیایی اقدامات مهمی را در جهت اجرای سیاست‌های خود در مورد مسأله سوریه انجام داد و توانست از این طریق از بسیاری از برنامه‌های حکومت سوریه در سایر موضوعات مطلع گردد. بنابراین، می‌کوشد سازمان‌های چندجانبه‌ای را که برای منافع امنیت ملی انگلستان مهم هستند، کارآمد نماید و از نقش پیشتاز خود در آن سازمان‌ها حداکثر استفاده را ببرد.

تلاش جهت کارآمدتر نمودن سازمان ملل

سازمان ملل نقش بسیار حیاتی و مهم را در خصوص امنیت و منافع جهانی انگلستان دارد. شورای امنیت این سازمان مسؤول اولیه صلح و امنیت بین‌المللی است. رویکرد دفاعی و امنیتی انگلستان در تعامل با این سازمان عبارت است از:

- ۱- تلاش برای مسؤولیت‌پذیرتر کردن شورای امنیت سازمان ملل در قبال مسائل امنیتی؛
- ۲- همکاری با دبیرخانه سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای و دولت‌های کلیدی عضو برای تضمین اینکه پیشگیری از مخاصمه نقش محوری را در تلاش‌های سازمان ملل به همراه عملیات‌های حفظ صلح و ایجاد صلح داشته باشد؛
- ۳- استفاده از نفوذ و قدرت خود به منظور ایجاد همکاری بهتر و تعاملات بیشتر بین سازمان ملل با ناتو و اتحادیه اروپا از طریق گفتگوهای سازنده؛
- ۴- همکاری با متحدان خود در قالب برنامه‌های سازمان ملل به منظور مدیریت بهتر فضای سایبر.



شکل ۳، دیپلماسی دفاعی انگلستان در قبال سازمان ملل (UK Prime Ministry, 2010: 34-36)

جایگاه ایران در اسناد دفاعی - راهبردی انگلستان

در ۳۳ سال گذشته، عملکرد انگلستان در مواجهه با تحولات ایران، مبتنی بر الگوی نهادسازی و ارتباط با عوامل و جریان‌های متعارض در داخل و خارج از این کشور بوده است. با بالا گرفتن موضوع هسته‌ای ایران، انگلیسی‌ها نگاه ویژه‌ای به نقش و جایگاه ایران در تهدیدهای امنیت ملی خود معطوف داشته‌اند (ساعد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۸). در این راستا، راهبرد امنیت ملی انگلستان در سال ۲۰۰۸، ایران را به مثابه یک بازیگر تهدیدساز معرفی کرده است. یکی از نگرانی‌های عمده انگلستان که در این سند به آن اشاره شد، موضوع هسته‌ای ایران بود؛ چرا که پذیرش وجود ایران هسته‌ای هم برای ایالات متحده و

هم انگلستان نمی‌تواند امری خوشایند محسوب شود. از این رو، دولت انگلستان به صراحت ایران را به عنوان یکی از تهدیدهای امنیتی خود معرفی نموده است:

«... ایران نیز همچنان فعالیت‌های هسته‌ای خود را ادامه می‌دهد، که به نوعی سرپیچی از دستورهای شورای امنیت سازمان ملل به حساب می‌آید. ایران و کره شمالی به دلیل رفتارشان نسبت به موافقتنامه‌ها و نهادهای بین‌المللی و نیز به دلیل تأثیر فعالیت‌هایشان بر ثبات منطقه‌ای و امنیت جهان، نگران‌کننده محسوب می‌شوند»
(UK prime ministry, 2008: 22)

بحث تروریسم و مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و واپایش تسلیحات نظامی، از جمله موضوعاتی هستند که در ارزیابی خطر امنیت ملی انگلستان در ۱۲ سال گذشته مورد توجه جدی قرار داشته‌اند. تروریسم یک خطر درجه‌یک در ارزیابی خطر امنیت ملی این کشور محسوب می‌شود. عمده‌ترین تهدیدهای تروریستی نسبت به انگلستان و منافع آن در خارج از کشور به ترتیب از سوی القاعده و تهدیدهای ناشی از تروریسم مرتبط با ایرلند شمالی معرفی شده‌اند. بنابراین، نگاه راهبردهای دفاعی-امنیتی انگلستان به ایران در مباحث مربوط به تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی به مثابه یک بازیگر تهدیدزای بالقوه است که باید کنترل و محدود گردد.

پیامدهای دفاعی و امنیتی دیپلماسی دفاعی انگلستان

در این قسمت از مقاله، با توجه به برنامه‌ها و راهبردهای مربوط به دیپلماسی دفاعی انگلستان در قالب اسناد ۲۰۱۳ و ۲۰۱۰، و همچنین، دیدگاه انگلستان به ایران، به بررسی پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

افزایش رقابت تسلیحاتی در همسایگی ایران: یکی از اهداف ذکر شده در سند دیپلماسی دفاعی ۲۰۱۳، ایجاد زمینه و بسترهای لازم از طریق رابطه دفاعی به منظور فروش و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی بود. بنابراین، با توجه به ضرورت ایجاد بازارهای

جهانی برای فروش این تسلیحات، وزارت دفاع باید نقشی فعال را در این میان ایفا نماید. بدین منظور وظیفه رایزنی، و ایجاد پل‌های ارتباطی رسمی در حوزه انعقاد رسمی قراردادهای نظامی به عهده وزارت دفاع است.

آمارها نشان می‌دهد که انگلستان بزرگترین صادرکننده سلاح به عربستان در ۲۰ سال اخیر بوده است. «کای استیرمن»^۱ یکی از تحلیلگران سیاسی انگلیس می‌گوید: «بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸، میزان صادرات تسلیحاتی انگلیس به منطقه خاورمیانه تقریباً دو برابر شده و بیشتر این تسلیحات به عربستان سعودی و امارات متحده عربی فروخته شده است. (پایگاه خبری انتخاب، ۱۳۹۳/۰۳/۲۳). معاملات کلان و پرسود تسلیحاتی که بین انگلستان و کشورهای حوزه خلیج فارس انجام می‌گیرد، ایران را مجبور به تقویت توان نظامی نموده و نه تنها باعث ایجاد منطقه امن و با ثبات نخواهد شد، بلکه سبب ناامنی و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و فروش بیشتر جنگ‌افزار می‌گردد. این تحولات خود موجب چالش‌های امنیتی برای ایران است (رنجبر، ۱۳۷۸: ۱۶۳).

کاهش توان بازدارندگی ایران: جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و کشوری که تهدیدهای نظامی بالقوه مانند اسرائیل و آمریکا، و همچنین، رقبای قدرتمندی مانند ترکیه و عربستان را در منطقه دارد، نیازمند تقویت توان بازدارندگی جهت حفظ پرستیژ، اثرگذاری و قدرت چانه‌زنی خود در مسائل منطقه‌ای است. یکی از ابزارهای ایران در جهت قدرت بازدارندگی، کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش (حزب الله و حماس) و نیز کشورهای محور مقاومت (سوریه) است. در چنین شرایطی کشورهای غربی مخالف ایران با ایجاد و تقویت رژیم‌های کنترل تسلیحات و کنترل صادرات، راه‌های کمک‌رسانی ایران به متحدان خود را محدود می‌نمایند. یکی از نمونه‌های بارز آن، تصویب معاهده تجارت تسلیحات در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ بود. اثرگذارترین کشور در تصویب

این معاهده، انگلستان بود (ساعد و همکاران، ۱۳۹۲: ۷). در این معاهده، صادرات بسیاری از انواع سلاح های متعارف به کشورها و گروه‌هایی که توسط شورای امنیت تحریم شده‌اند، ممنوع گردید. لذا با توجه به صدور قطعنامه ۱۹۲۹ در سال ۲۰۱۰ توسط شورای امنیت علیه ایران، این معاهده توان صادراتی و وارداتی بسیاری از تسلیحات مورد نیاز ایران را محدودتر می نماید.

عدم شکل‌گیری پیمان های دفاعی و امنیتی در منطقه: وجود ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در اکثر مناطق جهان موجب شده است کشورهای آن مناطق از سطحی مناسب از ثبات و امنیت برخوردار شوند. خاورمیانه یکی از مناطق استثنایی جهان به شمار می‌رود که هنوز هیچ گونه ترتیبات امنیتی توافق شده و پایداری در آن ایجاد نشده است. این منطقه همچنان با حجم وسیعی از بی‌ثباتی و ناامنی مواجه است و حتی با وجود موفقیت مناطق عمده جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه‌ای در استقرار نظام امنیتی جامع و پایدار و با وجود برخی تلاش‌های انجام گرفته، هنوز هیچ گونه نشانه‌ای جدی از استقرار این گونه نظام امنیتی در محیط پیرامونی ایران به چشم نمی‌خورد (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۱).

کشورهای غربی و از جمله انگلستان با استفاده از تنش های موجود در بین کشورهای منطقه با یکدیگر و وجود جوّ بی‌اعتمادی حاکم میان آنها، اقدام به انعقاد پیمان‌های امنیتی - دفاعی با کشورهای هم‌چون: افغانستان، بحرین، قطر، عربستان و همچنین، حضور فعال در شورای همکاری خلیج فارس نموده‌اند و همین امر سبب عدم شکل‌گیری رژیم امنیتی در محیط پیرامونی ایران شده است. ورود بازیگر مداخله‌گر در نظم منطقه‌ای سبب شکل‌گیری بی‌ثباتی های جدید می‌گردد که در بهترین حالت، منطقه را در وضعیت جنگ سرد قرار می‌دهد. در نتیجه، منطقه با وضعیت ثبات و تعادل ساختاری که شرط ضروری شکل‌گیری رژیم های امنیتی است، فاصله زیادی خواهد داشت (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۱).

ایجاد اجماع بین‌المللی علیه منافع ایران و کشورهای غیر همسو در معاهدات کنترل تسلیحاتی و عدم اشاعه: انگلستان از بسیاری از سازوکارهای عدم اشاعه و کنترل تسلیحاتی برای اجرای دیپلماسی دفاعی استفاده می‌نماید. از اقدامات انگلستان در این چارچوب، تشکیل رژیم های کنترل صادرات در حوزه‌های گوناگون، از قبیل: موشکی، هسته‌ای، بیولوژیک و غیره است؛ برای مثال، در حوزه بیولوژیک با تکیه بر ماده ۳ کنوانسیون بیولوژیک، تلاش در محدود سازی دولت های هدف، از جمله جمهوری اسلامی ایران بر خلاف تعهدات خود طبق ماده ۱۰ این کنوانسیون است (میرزایی، ۱۳۹۰: ۵۵-۶۱). این کشور به همراه آمریکا اقدام به تأسیس رژیم های بسته کنترل صادرات تجهیزات و فن آوری های گوناگون نموده، با تشویق سایر کشورها از طریق دیپلماسی دفاعی به عضویت در این ترتیبات به آن ها جنبه رسمی و بین‌المللی می‌بخشند و به منظور جلوگیری از دستیابی کشورهای تهدید کننده از نظر آنها، موادی را در خصوص منع تجارت کامل در حوزه مربوطه در این رژیم ها گنجانده و بدین ترتیب، فشارها را بر این کشورها زیاد می‌نمایند (دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). از جمله این رژیم ها می‌توان به رژیم کنترل فناوری موشک^۱، ترتیبات واسنار^۲، و نیز ابتکار امنیتی عدم اشاعه^۳ اشاره نمود. خلاء حضور فعال دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه، زمینه ساز تاخت و تاز انگلستان علیه منافع ج.ا.ا در بین دولت های مختلف گردیده است.

پیاده سازی آرایش نظامی مطلوب در همسایگی ایران: کشورهای غربی به ویژه آمریکا و انگلستان حضور نظامی فعالی را در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران دارند. در برخی مناطق این حضور به طور مستقل بوده؛ مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس و در برخی مناطق در قالب سازمان های نظامی و امنیتی مانند ناتو و نیروهای حفظ صلح سازمان ملل در کشورهای افغانستان، عراق و منطقه قفقاز. انگلستان در تمامی این کشورها

1 - The Missile Technology Control Regime
 2 - The Wassenaar Arrangement
 3- Proliferation Security Initiative

نیز پایگاه نظامی مستقل دارد. حال با توجه به آنکه این کشور، ایران را در اسناد راهبردی خود به عنوان تهدیدی نگران کننده و بالقوه شمرده است، بنابراین، سعی خواهد کرد از این فرصت استفاده کند و چینش نیروهای نظامی خود را در مرزهای دور ایران طوری قرار دهد که در صورت بروز درگیری احتمالی بتواند ایران را محدود نموده، ابتکار عمل را از این کشور بگیرد.

جدول ۱. اهداف و راهکارهای دیپلماسی دفاعی انگلستان در سند راهبردی تعامل دفاعی بین‌المللی ۲۰۱۳ و پیامدهای آن بر امنیت ملی ایران

<p>۱- افزایش رقابت تسلیحاتی در هسایگی ایران</p> <p>۲- کاهش توان بازدارندگی ایران</p> <p>۳- عدم شکل‌گیری پیمان‌های دفاعی و امنیتی در منطقه</p> <p>۴- اجماع علیه ایران در معاهدات کنترل تسلیحاتی و عدم اشاعه</p> <p>۵- پیاده‌سازی آرایش نظامی مطلوب در همسایگی ایران</p> <p>۶- افزایش هزینه‌های نظامی ایران</p> <p>۷- کاهش نفوذ ایران در خلیج فارس</p>	<p>۱- تقویت وابسته‌های دفاعی</p> <p>۲- تعامل با ناتو</p> <p>۳- تقویت روابط دو جانبه دفاعی</p> <p>۴- تعامل دفاعی با آمریکا</p> <p>۵- تعامل دفاعی با فرانسه</p> <p>۶- تعامل بیشتر با اروپا و اتحادیه اروپا</p> <p>۶- کمک به کشورهای ورشکسته و شکننده</p> <p>۷- تقویت تعاملات چندجانبه</p> <p>۸- کارآمدتر نمودن سازمان ملل</p> <p>۹- حضور مؤثرتر در معاهدات خلع سلاحی، کنترل تسلیحات و عدم اشاعه</p>	<p>۱- دفاع از انگلستان و سرزمین‌های فرامرزی</p> <p>۲- محافظت از شهروندان انگلیسی مقیم خارج</p> <p>۳- ایجاد نفوذ در سایر کشورها</p> <p>۴- افزایش و محافظت از موقعیت انگلستان</p> <p>۵- پی بردن به اهداف و برنامه‌های دفاعی و امنیتی سایر کشورها</p> <p>۶- ایجاد ظرفیت، قابلیت، و اراده بین‌المللی</p> <p>۷- ایجاد بازدارندگی</p>	<p>اهداف</p>
--	---	---	--------------

نتیجه‌گیری

با بررسی سند راهبردی - دفاعی ۲۰۱۰ و سند تعامل دفاعی ۲۰۱۳ انگلستان، دریافته‌ایم که وزارت دفاع این کشور مأمور شده تا در هر بخش از موضوعات بین‌المللی که توانایی و صلاحیت دارد، وارد شده و از آن طریق منافع و اهداف ملی را پیگیری نماید: از صادرات تجهیزات و تسلیحات نظامی گرفته تا مسائل علمی و فنی، سیاسی (ساختارسازی، روندهای دموکراتیزه نمودن)، فرهنگی و آموزشی (آموزش زبان، تدوین برنامه‌های آموزشی تحصیلی، تبلیغات دینی)، عمران (ساخت مدرسه، جاده و ..)، بهداشت (برنامه‌های واکسیناسیون، ساخت درمانگاه و بیمارستان) و سایر موارد. فرستادن وابسته دفاعی به همراه هیأتی بلندپایه از مستشاران نظامی انگلستان به لیبی پس از سرنگونی قذافی به منظور برگزاری انتخابات پارلمانی و نیز بازسازی سازمان های دفاعی (که مستقیماً در سند ۲۰۱۳ ذکر شده است)، و همچنین، انجام پروژه‌های گسترده عمرانی و بهداشت و درمان در افغانستان توسط نیروهای مسلح انگلستان (که در سند ۲۰۱۰ به آن اشاره شده است)، گواهی روشن بر این موضوع است. با نگاه به اسناد دیپلماسی دفاعی انگلستان از ۱۹۹۸ تاکنون و همچنین، رویه دفاعی انگلستان در عمل، به ارتباط و پیوستگی بین سیاست و عمل انگلستان در این حوزه پی می‌بریم.

قرارداد امنیتی انگلستان با بحرین در سال ۲۰۱۲، دقیقاً پیاده‌سازی سیاست های دیپلماسی دفاعی انگلستان بر اساس سند ۲۰۱۰ بوده که وزارت دفاع را مأمور می‌سازد تا باب همکاری‌های دفاعی دوجانبه و چندجانبه را از طریق انعقاد قراردادهای امنیتی باز نماید. این پیمان هدفی جز کنترل بیشتر بر منطقه خلیج فارس و رصد فعالیت‌های دفاعی و امنیتی ایران از نزدیک (همان‌گونه که در سند ۲۰۰۸ مندرج شده (محدود نمودن ایران)) ندارد. به‌طور قطع، شاخص امنیتی ایران به واسطه حضور یک قدرت نظامی رقیب در آب‌های استراتژیک خلیج فارس منفی شده و حضور نظامی انگلستان در این منطقه از نفوذ و کنترل

مؤثر جمهوری اسلامی بر خلیج فارس در مواقع بحران خواهد کاست و امنیت جنوبی ایران را در زمان شکل‌گیری بحران‌ها بسیار شکننده خواهد نمود. افزایش رقابت تسلیحاتی در همسایگی ایران و افزایش هزینه‌های نظامی که در مقاله بدان اشاره شد نیز تهدیدی است که مستقیماً از اولین سند دیپلماسی دفاعی انگلستان در ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ برآمده که ایجاد زمینه و بسترهای لازم را از طریق روابط دفاعی برای افزایش صادرات محصولات نظامی از مأموریت‌های اصلی دیپلماسی دفاعی بر می‌شمارد.

ساختارهای اجرایی ناقص و ضعف تشکیلات قانون‌گذاری در کشورهای تازه دموکرات شده عربی شمال آفریقا، ظهور و گسترش دانش‌های نوین مانند فضای سایبر و موشکی و فضای ماورای جو در ساختار نظامی و دفاعی برخی دیگر از کشورها و همچنین ناتوانی آنها در بهره‌برداری صحیح از آنها، عدم هنجارسازی مناسب در سیستم‌های اجرایی و قضایی برای مواجهه با مشکلات آینده در خصوص مسائل نوظهور، از جمله عوامل مهمی هستند که زمینه را برای کشوری همچون انگلستان فراهم نموده تا از طریق دیپلماسی دفاعی برای حل مشکلات فوق، نفوذ خود را در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران گسترش دهد؛ که این امر قطعاً با توجه به سیاست انگلستان برای محدود سازی و مهار ایران، تهدیدات بالقوه‌ای را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در آینده در پی خواهد داشت. همین امر، توجه و دقت بیشتر در فعالیت‌های دفاعی انگلستان در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را برای مسؤلان ذی‌ربط را ضروری می‌نماید.

پیشنهادها و راهکارها:

به منظور مقابله با تهدیدهای برآمده از دیپلماسی دفاعی انگلستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بهترین راهکار فعال نمودن دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی برای برخورد با این تهدیدهاست. جمهوری اسلامی دارای ظرفیت‌های فراوانی در حوزه دیپلماسی

دفاعی است که می تواند با فعال نمودن این ظرفیت ها در بسیاری از حوزه ها نه تنها با این تهدیدات مقابله نماید، بلکه می تواند از فرصت های فراوانی در این حوزه برای دستیابی به اهداف منافع ملی استفاده نماید. برخی از اقداماتی که جمهوری اسلامی می تواند در چارچوب دیپلماسی دفاعی انجام دهد، عبارتند از:

۱. اجرای پروژه های اجرایی و طرح های پژوهشی مشترک در حوزه های گوناگون دفاعی، مانند پروژه های ساخت تجهیزات دفاعی با کشورهای همسایه و منطقه، همکاری های علمی - پژوهشی در حوزه دفاع بیولوژیک، شیمیایی، وهسته ای و سایر موارد؛

۲. انجام بازدیدها و دیدارهای مشترک در سطح وزیر و معاونان وزارت دفاع با همتایان خود در کشورهای همسایه، منطقه و جهان به منظور اعتماد سازی متقابل، گسترش روابط، و پیگیری سیاست خارجی و منافع ملی در حوزه های مرتبط،

۳. حضور در سطح نظارت در سازمان های بین المللی دفاع منطقه ای نظیر شانگهای و همچنین، شرکت موقت نظارتی در شورای همکاری خلیج فارس،

۴. استفاده از ظرفیت های دفاعی سازمان ها و تریبالات منطقه ای علی الخصوص اسلامی به منظور پیشبرد اهداف و منافع ملی، از جمله: ایجاد کنوانسیون های همکاری های دفاعی؛ تصویب قطعنامه ها و منشور اسلامی منع سلاح های کشتار جمعی، ایجاد کمیسیون های خلع سلاح؛ انعقاد پیمان دفاع متقابل جمعی جهان اسلام؛

۵. پیشنهاد و تلاش در جهت تأسیس سازمان همکاری های دفاعی اسلامی؛

۶. گشودن عرصه ای جدید به روی فعالیت جنبش عدم تعهد شامل: ایجاد کمیسیون خلع سلاح؛ ایجاد سازوکارهای تجارت تسلیحات میان اعضا، ایجاد کمیسیون همکاری های دفاعی،

۷. شبیه سازی اتحادهای سازمان های دفاعی منطقه ای گذشته با محوریت ایران و اندیشه دفاعی پویا و ضد سلطه، شامل: ایجاد کمیسیون همکاری های دفاعی چندجانبه ایران،

ونزوئلا، برزیل، ترکیه، کوبا، شیلی، آفریقای جنوبی، سوریه، پاکستان، لبنان، مصر، کشورهای عربی خلیج فارس و دریای عمان؛

۸. انعقاد پیمان عدم تجاوز با کشورهای منطقه؛

۹. انعقاد پیمان دفاع متقابل با کشورهای منطقه؛

۱۰. تبلیغ گسترده توانایی‌های علمی و فنی سازمان‌های دفاعی به منظور ترغیب کشورهای ضعیف در این حوزه‌ها برای همکاری با جمهوری اسلامی.

منابع

رنجبر، مقصود. (۱۳۷۸). «ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

جعفری، سید اصغر. (۱۳۹۲). «دیپلماسی دفاعی در اندیشه های امام خامنه ای»، تهران، یاران شاهد

ساعد، نادر، منفرد، سید قاسم. (۱۳۹۰). «راهبردهای امنیت ملی آمریکا و انگلستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، ایران، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی میرزایی، سید احمد. (۱۳۹۰). «دیپلماسی کنترل جنگ افزار زیستی»، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

دهقانی، غلامحسین و هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۲). «رژیم های چندجانبه کنترل صادرات؛ سازوکاری قانونی یا ابزار فشار سیاسی»، فصلنامه سازمان های بین المللی، بهار ۱۳۹۲. عسگری، محمود و مینایی، حسین. (۱۳۹۲). «دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.

ترابی، طاهره. (۱۳۸۵). «دیپلماسی دفاعی و امنیت سازی فرامنطقه ای در ساختار دفاعی انگلستان»، تهران: فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۱۴.

ساعد، نادر. (۱۳۹۱). «دفاع نرم و بایسته های قدرت نرم دفاعی، جنگ نرم ۶: عملیات روانی و بسیج منابع»، تهران: معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح.

(۱۳۹۲). «شبه سازی الگوی عملیات نرم آمریکا در پرتو راهبرد جدید وزارت دفاع انگلیس»، پژوهشکده مطالعات روابط بین الملل، قابل دسترسی در:

www.riirpolitics.com

(۱۳۸۹). «دیپلماسی دفاعی: تأملی شناختی و کاوش در مبادی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۳۱، تهران.

ساعد، نادر و بهروز سراپی. (۱۳۹۲). «معاهده تجارت تسلیحات و امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران»، پژوهشکده مطالعات روابط بین‌الملل، قابل دسترسی در:

www.riirpolitics.com/?q=fa/node/1382

عسگری، محمود. (۱۳۸۷). «موازنه نرم در برابر قدرت برتر یکجانبه‌گرا»، فصلنامه راهبرد

دفاعی، ش ۱۹، تهران.

قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). «موانع شکل‌گیری رژیم امنیتی منطقه‌ای کنترل تسلیحات؛ مطالعه

موردی خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، تهران، پاییز ۹۰.

واعظی، محمود. (۱۳۸۶). «چالش‌ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی»، مرکز

تحقیقات استراتژیک، قابل دسترسی در: www.csr.ir/department=1095

«پایگاه خبری انتخاب»، کدام کشور بیشترین تسلیحات را به عربستان می‌دهد،

www.entekhab.ir/102824

«پایگاه خبری جهان نیوز»، قرارداد ۷۹۵ میلیون دلاری عربستان با انگلیس،

www.jahannews.com

«پایگاه خبری خبر و تفسیر برون مرزی»، افزایش هزینه های نظامی جهان در سال

۲۰۱۴، www.news.irib/43349

«سایت خبر فارسی»، افزایش ۶۰ درصدی فروش سلاح از ۱۱ سپتامبر آمریکا و انگلیس در

صدر جدول، www.khabarfarsi.com/2160103

Haack, Jurgen and Paul D. Williams (2007), Comparing Regional Arrangements: The Significance of Security Cultures, *The Pan-European International Relations*, Turin, September

Willard, James E (2006), *Military Diplomacy: An Essential Tool of Foreign Policy at the Theater Strategic Level*, USA, School of Advanced Military Studies

Shea, Timothy (2005), *Transforming Military Diplomacy*, *Joint Forces Quarter*, vol 38

E.H. Car (1964), *The Twenty Year Crisis 1919-39: An Introduction to the Study of International Relations*, London: Macmillan

- Bull, Hedley (1977), *The Anarchical Society*, Basing Stoke, Macmillan
- Ministry of Defense (2013), *Defense Engagement strategy*, Available at: www.gov.uk/government/organisations/ministry-of-defence.
- Ministry of defense (1998), *Defense Strategic Review*, Available at: www.gov.uk/government/organisation/ministry-of-defence.
- Ministry of defense (2002), *The strategic Defense Review: A new Chapter*, Available at: www.ukdf.org.
- Prime Minister (2010), *The Strategic Defense and Security Review*, available at: www.gov.uk.